

سخنرانی آیت الله سیدابراهیم رئیسی در دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی

توفیقی است برای بنده که در جمع فرهیختگان، اندیشمندان، محققان و پژوهشگران در دانشگاه دفاع ملی که با ابتکار عزیزانمان به‌ویژه ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر وحیدی و همکاران محترمشان دومین نشست برای تبیین حکمرانی اسلامی برگزار شده است و جای تقدیر دارد از زحمات ایشان و زحمات همه دست‌اندرکاران به‌ویژه عزیزانمان در مدرسه حکمرانی شهید بهشتی که متکفل دومین نشست علمی هستند و بسیار به جا این مدرسه نام شهید بهشتی مُزین شده است.

ابعاد شخصیتی شهید بهشتی

ایشان دارای شخصیتی فرزانه بود و در نظام حکمرانی صاحب اندیشه و نگاه نظام‌مند و نگاه ساختاری بود و می‌شود شخصیت ایشان را به‌عنوان یک چهره‌ای موثر برای نظریه ولایت فقیه دانست چرا که ایشان برای حکومت اسلامی این نظریه را تبیین کرد، ساختار سازی کرد و نقش مرحوم بهشتی در جانمایی نظریه ولایت فقیه در قانون اساسی نقش برجسته‌ای بود. حتماً شخصیت شهید بهشتی می‌تواند محور این بحث قرار بگرد چون ایشان در دیدگاه‌ها و نظریاتشان، نظام و ساختار حکمرانی اسلامی را هم تبیین کردند و هم اندیشه ایشان در قانون اساسی کشور تبلور پیدا کرده است.

ضرورت فهم حکمرانی و مذاقه در نظریات روز

اولین نکته در بحث حکمرانی، ضرورت فهم حکمرانی در آوردگاه بین‌المللی است. ابعاد و پیچیدگی‌های بحث حکمرانی باید کاملاً دیده شود.

عزیزان فرهیخته و پژوهشگر ما باید در ارتباط با شاخص‌هایی که آن‌ها معرفی می‌کنند به‌عنوان حکمرانی خوب کاملاً دقت کنند به‌طور مثال در نظریه حکمرانی خوب هشت محور وجود دارد مثلاً موضوع مشارکت، حقوق مساوی، مسئولیت‌پذیری، موضوع شفافیت، و این شاخص‌ها باید مورد مطالعه قرار بگیرد که آن‌ها وقتی می‌گویند حقوق مساوی منظورشان چه است؟ وقتی سخن از عقلانیت است نگاه به شاخص عقلانیت چگونه است؟ اینکه من می‌گویم نیاز به یک بحث جدی پژوهشی دارد این است که آن‌ها سخن و صحبت از عقلانیت دارند درست است اما وقتی ما از عقل بحث می‌کنیم باید معلوم شود آنچه ما نسبت به عقلانیت سخن می‌گوییم درست مبتنی بر همان اصول و شاخص‌هایی است که

مورد بحث داریم قرار می‌دهیم لذا هر کدام از این شاخص‌ها با نگاه به فقه و شریعت و نگاه به حکمت و مبانی باید مورد دقت قرار بگیرد که در محاسبه دچار یک اشتباه نشویم.

یک مثالی بزنم این سند بیست سی که الان بحثش مطرح است یک نکات و محورهایی در آن آمده که هرکسی به آن‌ها نگاه کند می‌گوید چه کسی با این‌ها مخالف است؟ در صورتی که به مبانی این سند وقتی آدم نگاه می‌کند این سند مبانی‌اش کاملاً با آن مبانی که ما داریم متفاوت است. دلیل اینکه رهبری به‌عنوان حکیم فرزانه ما به ما هشدار می‌دهند می‌فرمایند که مگر ما خودمان مبانی نداریم، مگر خودمان اسناد نداریم، مگر اسناد بالادستی نداریم و سند آموزش و پرورش نداریم چرا سند خودمان مورد استناد قرار نگیرد، اسناد آن‌ها مستند ما بشود؟ این همان نگاه زرفی است که می‌بیند وقتی سخن از عقلانیت است، سخن از شفافیت است، سخن از اخلاق است، این‌ها باید کاملاً دیده شود و معلوم بشود که ما بحثمان در عدالت چیست و آن‌ها چه تعریفی دارند؟ این هم نکته‌ای است که به نظر من در ارائه طرز حکمرانی اسلامی کاملاً باید شاخص‌ها و محورهای مورد توجه حتماً به‌عنوان زمینه بحث و پژوهش و تحقیق قرار بگیرد تا معلوم شود حکمرانی‌ای که ما داریم از آن بحث می‌کنیم مبتنی بر اسناد قطعی‌ای که ما داریم؛ کتاب و سنت، مبتنی بر آنچه که در سیره و سلوک امام بزرگوار ما و مکتب رهبری معظم انقلاب اسلامی ما از آن سراغ داریم. آنچه ما آموختیم از مبانی به‌عنوان اینکه طرز حکمرانی ولایی باید آن‌گونه شکل بگیرد. این‌ها بحثی است که در این گام دوم مورد توجه است.

مراحل رسیدن به حکمرانی مطلوب ما

در گام دوم سخن این است که ما باید نظامی مبتنی بر شریعت، فقه و حکمت را طراحی کنیم، حتماً طراحی این نظام باید اصول و متغیرهایی به‌عنوان فروع را مورد توجه قرار دهد. در این اصول تغییرناپذیر می‌توان به معنویت، اخلاق، عدالت، عقلانیت، آزادی و استقلال و... اشاره کرد و فروع متغیر نیز در رابطه با ابزارها و روش‌ها است. این اصول دقیقاً باید تبیین بشود. آنچه ما منظور داریم از عقلانیت، آنچه که نگاهمان است به عدالت، به معنویت و به هرکدام از این‌ها باید دقیقاً تبیین شود. موضوع بسیار مهم و اساسی بعدی دولت‌سازی اسلامی است چه اینکه این امر موضوع بسیار مهمی است که در گام دوم و مبتنی بر گام دوم باید طی شود؛ که البته بحث دولت اسلامی دو نکته دارد: تعریف دولت اسلامی به معنی تعریف کارگزاران، به معنی دست‌اندرکاران و حاکمان و مسئولان یا دولت اسلامی به معنی نهادها و ساختارها که هر دو مورد توجه است. و نکته سوم؛ مسئله تحول، تحول خواهی و ضرورت تحول است.

این سه نکته در کنار هم باید مورد توجه باشد تمام این‌ها پیوند بین ارزش‌ها و روش‌ها است. پیوند بین ارزش‌ها و تلفیق با ابزارها است. که این تلفیق را ما باید در طرز حکومت و حکمرانی اسلامی مبتنی بر ولایت تعریف کنیم.

شاخص‌ها و غایت حکمرانی ولایی

شاخصه مهم در حکمرانی ولایی عقلانیت است. شاخصه مهم در حکمرانی ولایی معنویت است، شاخصه مهم و محوری در حکمرانی ولایی مردم‌باوری است. که هر کدام این‌ها بحث دارد. مثلاً وقتی ما سخن از مردم‌باوری می‌گوییم مردم‌باوری واقعی است نه تشریفاتی. اگر امام بر باور داشتن مردم تأکید داشتند حقیقتاً مردم را باور داشتند. اگر امروز رهبری به مردم اشاره می‌کنند حقیقتاً نگاه به مردم رأی مردم و خواست مردم و اعتماد مردم به عنوان نه یک امر تشریفاتی بلکه به عنوان یک امر واقعی مورد توجه ایشان است. اگر بحث از عدالت می‌کنیم حقیقتاً موضوعی است که بعد از توحید شاید هیچ مفهومی از مفاهیم اسلامی این قدر در فرهنگ دینی ما مورد توجه قرار نگرفته است. عدالت و توحید، عدالت و نبوت و عدالت و امامت، عدالت و معاد، عدالت و فرج، عدالت انفسی، عدالت آفاقی، عدالت در حوزه اقتصادی، عدالت در حوزه اجتماعی و عدالت در حوزه‌های مختلف مورد توجه است و اصلاً اگر سنگ زیربنای اندیشه و تفکر اسلامی عبودیت پروردگار متعال باشد، نظام سازی باید مبتنی بر عدالت باشد. باید توجه به همه این ابعاد موضوع عدالت در این بحث نظری موضوع عدالت مورد توجه قرار بگیرد.

ما محوری‌ترین نکته‌ای که در اینجا داریم این است که جامعه‌ای با کرامت ساخته شود و این جامعه بتواند مسیر بندگی و مسیر زندگی توأم با امنیت، عدالت و رفاه اجتماعی را کاملاً رقم بزند. یعنی حکمرانی و طرز حکمرانی اسلامی که ارائه می‌شود باید مبتنی بر یک اصول و مبانی این طور باشد.

تربیت حکمرانان تراز انقلاب

گام سوم که نکته بسیار مهمی است مسئله ساختن افرادی تراز این نظام است. شما اگر عدالت را تعریف بکنید اما افرادی عادل و برخوردار از عدالت نباشند که مجری عدالت باشند منحصر در بحث نظری می‌شود. ما سخن از عدالت در حوزه ثبوتی نداریم، سخن از عدالت در حوزه اثباتی و اجرایی داریم. باید بیاید در میدان. چه کسی می‌تواند عدالت را اجرا کند؟ مگر ممکن است اگر مردانی و زنانی برخوردار از عدالت نباشند بتوانند مردم را با عدالت و زندگی آن‌ها را به عدالت نزدیک بکنند؟ مگر می‌شود. اینکه همه انبیای عظام الهی در طول تاریخ چهره‌های عادل بودند؛ هم برنامه‌شان عادل بوده و هم خودشان

عادل بودند. از شاخصه‌های بسیار مهم رهبری در نظام، مسئله عدالت است و غیر از رهبری هرکسی در هر کجای این نظام ایفای نقش می‌کند باید برخوردار از ملکه عدالت باشد والا جامعه با عدالت انس نمی‌گیرد و زندگی مردم از عدالت بهره‌ای نخواهد برد. در واقع فضیلت فردی است که فضیلت ساختاری را به دنبال دارد یعنی هم انسان‌های با فضیلت، هم ساختارهای گسترش‌دهنده فضیلت بسیار مهم است پس تربیت افراد تراز که بتوانند حکمرانی اسلامی را اجرایی کنند این هم نکته محوری و بسیار مهمی است چرا که انبیا هم آمدند به انسان‌ها برنامه زندگی بدهند و هم آمدند انسان‌های تراز تربیت کنند، انسان‌های با کرامت اخلاقی چون ابوذر و مقداد پرورش بدهند چهره‌های مجاهدی که امروز در میدان شاهدش هستیم به عنوان الگوهای ما پرورش بدهند. مثل شهید قاسم سلیمانی‌ها در این میدان پرورش بدهند مثل رزمندگانی که از همه چیزشان برای دین و ارزش‌های دین مایه گذاشتند یا مردان و زنانی که در عرصه‌های مختلف مسائل عدالت محوری گام برمی‌دارند.

ابزارها و حکمرانی شاخص‌ها

گام چهارم موضوع ابزارها است. ابزارها باید دقیقاً شناخته بشود. مسئله استفاده از شاخص‌ها در این رابطه بسیار مهم است، شما شاخص‌هایی که آن‌ها به عنوان حکمرانی ارائه می‌دهند ببینید، مثلاً می‌آیند یک نظام رتبه‌بندی می‌گذارند و می‌گویند کشورها باید خودشان را با این شاخص‌ها منطبق کنند تا رتبه برتر پیدا کنند. خوب شاخص‌ها چیست؟ مثلاً بیان می‌کنند شفافیت، مبارزه با فساد و طبق آن به کشورها رتبه می‌دهند، می‌گویند فلان کشور مبارزه در با فساد نمره‌اش این است. خوب شاخص مبارزه با فساد چیست؟ خودشان تعریف می‌کنند. در تنظیم‌گری آن‌ها نظم می‌دهند به این قضایا. یا در رسانه همین‌طور است. بسیاری از قراردادها را می‌آیند تنظیم می‌کنند و می‌گویند اگر به فلان قرارداد پیوستید یا درواقع فلان نظام اقتصادی‌تان، نظام اجتماعی‌تان، نظام فرهنگی، نظام سیاسی‌تان را منطبق کردید ما رتبه شما را بالا می‌بریم یا اگر نکردید ما رتبه شما را پایین می‌آوریم. با همین نظام رتبه‌بندی می‌خواهند کشورها را طبق آن نظام حکمرانی که خودشان و نظمی که خودشان می‌خواهند به حکومت‌ها بدهند دارند تنظیم می‌کنند. خوب ما باید یک نگاه دقیقی داشته باشیم به نوع این ابزارهایی که در ارتباط است. ما ابزارهایمان را چه تعریف می‌کنیم؟ ما می‌خواهیم یک ساختارهایی تعریف کنیم و ابزارهایی که بتواند ارزش‌هایی را بر جامعه حاکم بکند. آن ابزارها بتواند ما را به کرامت انسانی نزدیک و نزدیک‌تر بکند. هر ابزاری که بتواند ارزش‌ها را در جامعه جلوه‌گر بکند این ابزار، ابزار درست و قابل توجهی است که ما باید به این ابزارها توجه کنیم به همه این ابزارها یعنی نوع مقرراتی را که گذاشته بشود و نوع تنظیم‌گری‌ها درواقع

نوع استفاده از متغیرهای مختلف که این همان فروعاتی است که من اشاره کردم گفتم یک اصول ثابتی داریم، غیر متغیر و در واقع یک فروعاتی داریم که آن‌ها تغییرپذیر است. آن فروعاتی تغییرپذیر این ابزارها است یعنی ابزارها تغییر می‌کند. متناسب با اینکه چه زمانی است، چه مکانی است و چه اقتضائاتی دارد. ابزارها متناسب با زمان، متناسب با مکان و متناسب با اقتضائات متغیر است. به عبارت دیگر ارزش‌ها ثابت است اما روش‌ها متغیر است. همواره ارزش‌ها ثابت است. هیچ زمان ارزش‌ها تغییر نمی‌کند اما روش‌ها متغیر است. یک زمانی یک اقتضائی دارد، یک زمان دیگر یک اقتضای دیگری دارد. متناسب با زمان. مکان‌ها هم همین‌طور است. مکان‌ها هم اقتضائات خاصی دارد و متناسب با اقتضائات باید پیگیری کرد. اینجا نکته‌ای که مهم است بحث آن اجتهاد پویا است، آن مجاهدتی است که باید دانشمندان ما بکنند و بتوانند مبتنی بر آن اصول، فروع را پاسخگو باشند. مبتنی بر آن مبانی بناهایی را در واقع برپا کنند. یک مبانی است مبانی تغییرناپذیر، یک بناهایی است بر این مبنا استوار است. این بناهایی که بر این مبنا استوار است باید متناسب با زمان، متناسب با مکان و متناسب با اقتضائات خودش باشد اما ارزش‌ها و مبانی، مبانی و ارزش‌های کاملاً ثابت است.

تحول حکمرانی قضائی

من نکته‌ای که در گام پنجم دارم که در واقع به نحوی ارتباط دارد با مسئولیت بنده باید عرض بکنم نسبت به بحث تحول قضایی که در بستر گام دوم مأموریت پیدا کردم که باید آن را در این دوره ما اجرایی کنیم. سندی را در این رابطه با همکاری بسیاری از دوستان، پژوهشگران و قضات محترم عالی‌رتبه و صاحب‌نظران تنظیم کردیم که این سند به نحوی در اختیار فرهیختگان قرار خواهد گرفت. همان سند مقدماتی که در آغاز کار به استحضار رهبری معظم انقلاب اسلامی رسیده است و همان سند ارتقا یافته‌ای که باید در سال دوم مورد بازنگری قرار گرفته استدر اختیار است. ما در این تحول معتقدیم باید با شناخت همین مبانی قضای اسلامی در عین حال با نگاه به اینکه باید آن قالبی - یعنی آن ساختارهای متناسبی - که می‌خواهد قضای اسلامی در آن پیاده بشود این بازنگری در ساختارها صورت گیرد.

نکته دوم تناسب زمان و مکان، موضوع استفاده از فناوری‌های نوین، قضای الکترونیک و دادرسی‌های الکترونیک مورد توجه است.

سومین نکته اینکه ما در دستگاه قضایی که تاکنون دادخواست محوری حرکت کرده یعنی منتظر دادخواست بوده تا یک دادرسی و رسیدگی را آغاز بکند، ما معتقدیم در یک اقدام با شناخت به نسبت به مسائل و شرایط ما باید از یک اقدام منفعلانه به دنبال یک حرکت و کنش‌گری فعال باشیم. کنش‌گری

فعال اقتضا می‌کند که ما برویم سراغ مسئله. لذا نظام مسائل را تعریف کردیم یک نظام مسائلی که در آن مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است و در این مسائل هر چه نگاه پیشگیرانه باشد، و اقدامات پیش‌دستانه باشد، طبیعتاً ما از اینکه پرونده بخواند تشکیل بشود بی‌نیاز می‌شویم. این نگاه نیازمند این است که همه صاحب‌منصبان و همه صاحب‌نظران در این رابطه مشارکت کنند. مهم‌ترین مسئله مسئله مشارکت مردم است، نقش دادن به مردم است، نقش دادن به فرهیختگان است و نقش دادن به همه آحاد جامعه است که می‌توانند در این قضیه نقش‌آفرینی کنند. این‌ها نکات مهمی است که ما در این دوران تحول به آن‌ها توجه کردیم باز مبتنی بر همان اصولی که عرض کردم اصول مسلمی که وجود دارد یعنی ما از اسناد بالادستی در این سندمان ما نگاهمان به خواست شریعت، نگاهمان به قانون اساسی، نگاهمان به رهنمودهای امام و رهبری، نگاهمان به سیاست‌های مصوب نظام، نگاهمان به برنامه‌های توسعه مصوب تا توسعه ششم و در یک کلمه نگاهمان به قوانین و باید و نبایدهایی که وجود دارد و با نگرشی نو و با نگاهی نو به مباحثی که تاکنون در این رابطه مورد توجه بوده است. این هم نکته‌ای است که ما در این گام به نظرمان می‌رسد می‌تواند بسیار مؤثر باشد در حکمرانی اسلامی امروز موضوع دستگاه قضایی، عدالت و اجرای عدالت اگرچه اجرای عدالت فقط در قوه قضاییه نیست و همه ابعاد نظام مأمور به اجرای عدالت هستند، همه لکن ما به عنوان قوه قضاییه به نظرمان می‌رسد که امروز پیشانی عدالت یا دستگاهی که باید جلوی عدالت و عدالت‌گستری باشد یعنی حقیقتاً عدالت‌گستری در این اینجا گسترش عدل و آزادی‌های مشروع که در قانون اساسی آمده قوه قضاییه هم باید در این رابطه برنامه داشته باشد و هم پیگیری کند. داشته باشد.

من امیدوارم انشاءالله اجلاس حکمرانی در نشست دوم بتواند ابعاد مختلف حکمرانی را در تراز حکمرانی اسلامی بررسی کند و در این رابطه هم نظریه‌پردازی جامعی بشود و هم در حوزه اجرا و عمل این نظریات بتواند انشاءالله هم عملیاتی و اجرایی شود.

از اینکه توفیق نصیب شد در جمع شما ولو به صورت مجازی حضور پیدا کردم و از طریق ویدئوکنفرانس توفیق این را داشتم که جا دارد به همه شما فرهیختگان خسته نباشید عرض کنم و امیدوارم که انشاءالله از مجموعه مباحث و اندیشه‌اندیش‌ورزان و فکر متفکران و قلم‌علماء و دانشمندان عزیز بتواند طرحی نو نگاهی نو و بتواند منشأ آثار و تحولاتی باشد، هم در ساختارها و هم در رفتارها.